

بسم الله الرحمن الرحيم

ترنم کوثر

محمد قولی میاب (کوثر)

این کتاب را به تنهایی‌های پدرم و مهربانی‌های مادرم

تقدیم می‌دارم.

روحشان شاد



موسسه انتشارات بعثت

تهران - زمستان ۱۳۸۹

سرشناسه : کوثر، محمد ۱۳۳۰-
 عنوان و نام پدیدآور : کوثر/ محمد قولی میاب (کوثر).
 مشخصات نشر : تهران: بعثت، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۱۶-۳۷-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ت ۴۸/۸۱۸۴ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۱۶/۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۱۸۶۶۰



مؤسسه چاپ و انتشارات بعثت
 بنیان‌گذار: مرحوم استاد فخرالدین حجازی
 تاسیس: ۱۳۴۷ / پروانه نشر دائم: ۶۵۴

عضو رسمی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و انجمن فرهنگی ناشران کتب دانشگاهی

ترنم کوثر

شاعر: محمد قولی میاب (کوثر)

ویراستار: هدیه افشار / ناظر چاپ و امور فنی: محسن میقانی
 نوبت چاپ: اول / تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۹
 حروفچینی و صفحه‌آرایی: ایمان خداورد / بها: ۴۰۰۰ تومان
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: بعثت ۶۶۹۶۶۸۶
 شمارگان: ۲۰۰۰ جلد / تعداد صفحات: ۱۴۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۱۶-۳۷-۳ ISBN: 978-600-5116-37-3

نشانی دفتر مرکزی: تهران - خ انقلاب، خ ۱۶ آذر، شماره ۳۶، ساختمان بعثت
 کدپستی: ۱۴۱۷۹-۵۴۴۹۳، تلفن بخش: ۶۶۴۱۹۸۹۹ - ۶۶۹۶۶۸۶، دورنگار: ۶۶۴۹۸۴۶۵

© کلیه حقوق چاپ و نشر و پخش به هر صورت (اعم از ذخیره رایانه‌ای و یا جزوه و کپی) محفوظ و مخصوص ناشر است و هر گونه کپی برداری و نقل مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

باسمه تعالی

سخن ناشر

با توجه به نیاز فراوان نسل جوان و اندیشمند جامعه به خواندنی‌های جدی و پرمحتوا، مؤسسه انتشارات بعثت در سال ۱۳۴۷ به منظور اشاعه فرهنگ اسلامی، به همت و کمک فکری و مالی مرحوم استاد فخرالدین حجازی و استاد عباس علی محمودی و جمعی از بزرگان تأسیس شد و تاکنون صدها کتاب ارزنده تقدیم دانش‌پژوهان و محققان علم و دین نموده است.

امروزه وسعت دانش بشری و پیشرفت روزافزون آن در همه زمینه‌ها، ایجاب می‌کند که دست اندرکاران چاپ و نشر، به‌دور از انگیزه‌های مادی، برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی در تمام زمینه‌ها، تلاش کنند و یار دانشگاهیان و محققان باشند و به نشر و معرفی آثار علمی آنان پردازند. بر این اساس مؤسسه انتشارات بعثت با حفظ خط مشی غیرانتفاعی خود، چاپ کتب عمومی و تخصصی دانشگاهی را علاوه بر سایر موضوعات مورد توجه قرار داده تا با کوشش عالمان متعهد دانشگاهی، آخرین دستاوردهای علمی جهان دانش را منتشر نماید و از این طریق راه رسیدن به استقلال فرهنگی را هموار سازد.

کتاب حاضر یکی از این نمونه‌ها است که توسط جناب آقای محمد قولی میاب (کوثر) شاعر و مدیحه سرای اهل بیت (ع) سروده شده است.

مدیرعامل

مهندس عباس میقانی

به نام خدا

سخن شاعر

در مرداد ماه سال ۱۳۳۰ خورشیدی در میاب از توابع شهرستان مرند به دنیا آمدم. از وقتی خود را شناختم در طبیعت به زمزمه می پرداختم، که بعدها آن زمزمه ها مفهوم شعر را برایم پیدا کردند.

در ۱۱ سالگی به مدرسه رفتم!! دوره ۶ ساله ی ابتدایی را با سالی ۵ ماه تحصیل به پایان رساندم!! استعدادم خوب بود خوب خوب.

در سال ۱۳۴۷ به تهران آمدم. غربت و تنهایی و کار و درس و سختی ها، تنها شعر بود که سختی ها را برایم قابل تحمل می کرد. ضمن کار، سه ساله ی اول متوسطه را در دو سال خواندم و سه ساله ی دوم را در هنرستان فنی به پایان رساندم.

پس از اخذ دیپلم فنی-از طریق وزارت کار دوره فنی مهارتی هم دیدم. شدم جوشکار درجه ۱ برق و گاز و چدن و آلومینیوم که جوشکاری چدن و آلومینیوم بسیار حساس هستند و کار هر کسی نیست مگر دوره ی این کار را دیده باشد. در پایان دوره با وزیر کار وقت عکس گرفتیم و در مراکز فنی مشغول کار شدیم.

اما هیچ کدام روح مرا ارضا نکرد. رهایشان کردم و جذب آموزش و پرورش شدم.

ضمن تدریس ادامه‌ی تحصیل هم دادم، دوره‌ی سه ساله‌ی دانشسرا را درسه تابستان به اتمام رساندم و بعد دوره‌ی کتابداری و ادبیات کودک و نوجوان.

ضمن کار دبیری با عنوان کارشناس ادبی و کارشناس انتشارات و بولتن با وزارت آموزش و پرورش، مناطق و امور تربیتی استان (اداره کل) به همکاری پرداختم و سال‌های متعددی مسئولیت کانون‌های شعرا و نویسندگان را برعهده داشتم؛ هم زمان انجمن ادبی افق را با دو تن از هم‌سنگران فرهنگی و ادبی به‌وجود آوردیم که در جذب و هدایت ادبی جوانان بسیار موثر بود. فعالیت‌های ادبی و طرح و اجرای کاروان‌های شعر با یاری بزرگان شعر و ادب، داوری مسابقات منطقه‌ای - استانی - کشوری و نقد و بررسی آثار شاعران و نویسندگان جوان، نقطه‌ی عطفی در زندگی ادبی من به‌وجود آورد.

در حال حاضر هم در شمال شرق تهران در چندین انجمن ادبی در خدمت ادب دوستان هستیم.

در پایان از سروران گرانقدر، مدیریت مکتب‌الذاکراین حاج آقا علی‌رضا نهادی، پروفسور سیدحسن امین، مهندس عباس میقانی و همکارانشان، سید محمد صالحی و دکتر حسن علی محمدی که در چاپ این کتاب نقش داشته‌اند و از دوستان گرانقدر که شعر و نام‌شان در این کتاب آمده است صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

محمد قولی میاب «کوثر»

۸۹/۱۰/۱۴

فهرست

۱۰	مقدمه‌ی آقای سید محمد صالحی کوشا
۱۲	مقدمه‌ای به قلم پروفیسور سید حسن امین
۲۱	«دیدار»
۲۲	«کجا به خیل ملک بار عام خواهی داد؟»
۲۵	«که تا مرا نکشد از سفر نمی‌آید»
۲۶	نقشی عجب
۲۷	پیراهن خیال
۲۸	رقص غبار
۲۹	باس کیود چمنش را
۳۰	در گریزای عشق
۳۱	بهشت موعود
۳۲	در از لحام حرم
۳۳	مأمن دل‌ها
۳۴	دست ما بگیرای عشق
۳۵	در آن دل شب
۳۶	به پای شوق
۳۷	ظهور
۳۸	بشیرداد
۳۹	شمیم طره‌ی جانان
۴۰	حرف‌های دل
۴۱	باغ و قفس
۴۲	غرض محبت توست
۴۳	حیف از آن عمر
۴۴	میلاذ زیبایی
۴۵	عطر حضور
۴۶	درک عمیق
۴۷	عبور
۴۸	گناه نخست
۴۹	شبی که رفتی و
۵۰	به یمن عشق تو
۵۱	خبری هست
۵۲	مرحله‌ی عشق
۵۳	آیین‌های حق نما
۵۴	مگر به دولت دیدار

۵۵	رقص بال فرشته
۵۶	یا مولا
۵۷	چه کسی
۵۸	به عشق آل طاهرا
۵۹	هنوز ناپیدا است
۶۰	آینه بگیرید
۶۲	عباس نام آور (ع)
۶۳	رقیبان رند
۶۴	طلب
۶۵	شک
۶۶	مادر که در تلاقی دیوار و در شکست
۶۷	به یمن دولت ساقی
۶۸	عشق حسن
۶۹	صاحب الامر
۷۰	رضای گل
۷۱	سر بلبلان سلامت
۷۲	پر از آفتاب
۷۳	ناز و نیاز
۷۴	سر سبز
۷۵	تلاقی عشق
۷۶	عید غدیر
۷۸	گلواژه‌ی گلوی تو
۷۹	نی
۸۰	پیری
۸۱	پیرو پریشانی
۸۳	چشم انتظارم
۸۴	سکان کشتی هجران بکش
۸۵	هلا - ساقی
۸۶	تو جان عالمی
۸۷	زخمه‌ی غزل
۸۸	مقام مولا علی (ع)
۸۹	تو و اتحاد چشمت
۹۰	سفروہی احسان دوست
۹۱	طفل دبستان تو
۹۲	کدام جذبه؟
۹۳	شوق حرم
۹۴	بنده‌ی لطف تو
۹۶	بهانه‌ی منتظر
۹۷	در حیرتم که دوست
۹۸	چه غم‌ها دارد این دل
۹۹	زیباترین تجلی

۱۰۰	به دلجویی چشم تو.....
۱۰۱	جان ما سپند شماست.....
۱۰۲	یاد و خاطره‌ای.....
۱۰۳	بهار بوی تو را می‌دهد!.....
۱۰۴	نکبت گیسوی دوست.....
۱۰۵	چله‌راغ گل!.....
۱۰۶	حساب عمر.....
۱۰۸	از دیده هر که می‌رود.....
۱۰۹	آب و عطش.....
۱۱۰	تمنا.....
۱۱۱	شمیم مری دوست.....
۱۱۲	مهر دوست.....
۱۱۳	درد پس کسی.....
۱۱۴	دلیر اوجتابی.....
۱۱۵	میلاد مادر گل‌ها.....
۱۱۶	نور چشمان محمد می‌رسد.....
۱۱۷	غم انتظار.....
۱۱۹	دلشوره.....
۱۲۱	کربلا در کربلا.....
۱۲۲	یا زهرا (س).....
۱۲۳	خدا.....
۱۲۵	طالع مسعود.....
۱۲۷	میلاد کوثر.....
۱۲۹	زینت آسمان.....
۱۳۰	رباعی‌ها.....
۱۳۳	دوبیتی.....

درباره‌ی آقای کوثر

۱۳۵	حسن ختام (چند شعر از دوستان شعر آقای فراز).....
۱۳۶	شعر آقای جعفری (شب و سیاهی شر).....
۱۳۷	همان فاطمه (شعر آقای مهدیانی).....
۱۳۸	شعر آقای مرآت ابهری.....
۱۳۹	شعر آقای محمد مجد (زمزمه‌ای در تنهایی).....
۱۴۰	شعر آقای حیدر علی جعفری زاویه (شکت).....
۱۴۲	معرفی آثار چاپ شده و آماده‌ی چاپ شاعر.....

□ نظری بر «ترنم کوثر»

در جامعه ادبی ما، شاعرانی هستند، خوش می‌درخشند! شاعرانی که از دوجنبه‌ی تعهد و تخصص بهره‌مندند و در آثارشان، معارف الهیه و شئونات انسانی چون چشمه‌های زلال و گوارا جاریست و دل‌ها و جان‌های عطش‌ناک را سیراب می‌کنند. سخن‌پردازانی که در ظرف ظرفِ واژگان، نورناب و حیات‌بخش می‌ریزند و کربویان را به طرب و امید دارند و با نفاس مسیحایی خود در نیستان جان‌ها می‌دمند و مخاطبان‌شان را به سمت و سوی کمال سوق می‌دهند. بلبل‌عرشند سخن‌پروران باز چه مانند به آن دیگران؟

به تعبیر زیبای شاعر فرانسوی «مالارمه - Mallarme»:

«شاعر راستین، واژه‌های عادی قوم را می‌گیرد و افسونی تازه در آن می‌دمد! یکی از این شاعران برجسته، برادر عزیز و فرهیخته‌ی مان جناب آقای «محمد قولی میاب» متخلص به «کوثر» است.

اشعار نغز و تأثیرگذار او که از جاذبه و گیرایی خاصی برخوردار است، تبلور اندیشه‌ی تابناک و احساسات قلبی اوست.

جناب آقای کوثر، در اشعار خود از عناصر خیال و عاطفه به شایستگی بهره‌جسته و با استعارات، تشبیهات، کنایات خوش‌نقش و ترکیبات بدیع و لطیف به اثر خویش، حال و هوای دیگری بخشیده و قصری از شعر ماندگار را بنا نهاده است. میان چشمه‌ی چشم‌ت که آب تطهیر است

مرا به شستن جان از گناه مهمان کن

ای عشق چپستی تو، که در کربلای تو

خورشید سر بریده برآمد، قمر شکست؟!

تا حس کنم شمیم خوش‌ت می‌کشم چو گل

پیراهن خیال تو را در برم هنوز
